

تحلیل مستندات اختصاص واژه «اهل البیت» به خمسه طیبه در آیه تطهیر

محمد امیری*
کیوان احسانی**

چکیده

آیه تطهیر یکی از پرمنافشه‌ترین آیات قرآن بین مفسران فریقین پیرامون مسئله عصمت اهل بیت علیهم‌السلام است. مفسران شیعه «اهل البیت» را مختص خمسه طیبه علیهم‌السلام می‌دانند و در مقابل، برخی از مفسران اهل سنت «اهل البیت» را مختص زنان پیامبر، برخی دیگر شامل زنان پیامبر و خمسه طیبه و برخی دیگر آن را اعم از خویشان و اقوام پیامبر و ... می‌دانند. در این بین یکی از ادله مفسران شیعه بر این ادعا، «تغییر ضمیر» از جمع مؤنث به جمع مذکر در آیه تطهیر است. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی جهت نقد و ارزیابی این مطلب، به واژه‌شناسی کلمه «اهل» و موارد استفاده آن در لغت و قرآن پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هر چند با استشهاد به شواهد تاریخی و استناد به روایات متقن، می‌توان ثابت کرد «اهل البیت» اختصاص به خمسه طیبه دارد، اما استناد اغلب مفسران شیعه به «تغییر ضمیر» محل بحث و تأمل است.

واژگان کلیدی

آیه ۳۳ احزاب، آیه تطهیر، اهل، اهل البیت، تفسیر تطبیقی.

amiri.mo.a@gmail.com
k-ehsani@araku.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۲

*. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
**. استادیار دانشگاه اراک.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۲

طرح مسئله

آیه تطهیر یکی از بحث‌برانگیزترین آیات قرآن در میان مفسران شیعه و اهل سنت محسوب می‌شود. تفاوت دیدگاه مفسران در تفسیر این آیه شریفه بیشتر به اختلاف نظر ایشان در مورد مصداق عبارت «اهل البیت» برمی‌گردد. همه مفسران شیعه بر این عقیده‌اند که مراد از «اهل البیت» در آیه تطهیر تنها و تنها خیمه طیبه؛ یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌باشند. (بنگرید به: مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۵ / ۲۳۳ - ۲۰۶؛ مفید، ۱۴۲۴: ۱ / ۴۱۰؛ طوسی، بی تا: ۸ / ۳۳۹؛ طبرسی، ۱۳۵۰: ۸ / ۵۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۹۹۲؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۹۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۱)

این دیدگاه نه تنها مورد اجماع شیعه بوده و به طرق مختلف روایت شده، بلکه بسیاری از روایات اهل سنت نیز همین حقیقت را منعکس می‌کند. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۲۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۲۴۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۱۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۹۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹۵؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۸۴؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۵ / ۱۶۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۷ - ۵) چنان که طبری در جامع البیان پانزده روایت را به طرق مختلف نقل کرده که همگی آنها مصداق اهل بیت در این آیه را بر خیمه طیبه تطبیق داده‌اند. (همان) حسکانی مفسر سنی مذهب قرن پنجم نیز، روایات وارده در این زمینه را بسیار فراوان دانسته است. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۸)

در مقابل، برخی دیگر از علمای اهل سنت مصادیق متعددی برای «اهل البیت» ذکر می‌کنند. در ادامه به برخی از این نظرات اشاره می‌شود:

منظور از «اهل البیت» در آیه تطهیر فقط و فقط زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است و احدی غیر از آنان را دربر نمی‌گیرد. این ادعا به عکرمه منسوب است که در بازارها ندا می‌داد و مردم را برای مباحله فرامی‌خواند. (بنگرید به: بلخی، ۱۴۲۳: ۳ / ۴۸۹؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۲۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۲۴۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۷؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۵ / ۱۹۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۳۸؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۸۴)

منظور از «اهل البیت»، همسران پیامبر و اصحاب کساء؛ یعنی پیامبر، علی، فاطمه، حسن، حسین علیهم السلام است. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۱۸۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۷۹)

منظور از «اهل البیت»، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و پدران آنان است. (همان)

منظور از «اهل البیت»، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و تمامی بنی هاشم هستند که صدقه بر آنان حرام شد. (همان؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۲۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۱۸۳؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۵ / ۱۹۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹۵)

تحلیل مستندات اختصاص واژه «اهل البیت» به خمسه طیبه در آیه تطهیر □ ۶۳

در این میان یکی از ادله اغلب مفسران شیعه برای اثبات اختصاص «اهل البیت» به خمسه طیبه، «تغییر صیغه ضمیر» در آیه تطهیر است. (مفید، ۱۴۲۴: ۱ / ۴۱۳؛ طوسی، بی تا: ۸ / ۳۴۱؛ طبرسی، ۱۳۵۰: ۲۰ / ۱۱۴؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۴۱۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۲۹۴) توضیح آنکه؛ کلیات بحث آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب پیرامون زنان پیامبر است. از مجموع ۲۴ صیغه موجود، ۲۲ صیغه، ضمیر جمع مؤنث نظیر «تُنَّ، کُنَّ، نَ» است که به زنان پیامبر برمی گردد و فقط در بخش پایانی آیه ۳۳ دو ضمیر جمع مذکر (کم) به کار رفته است. برخی از علمای شیعه معتقدند که به خاطر تغییر صیغه، مخاطب آیه نیز تغییر کرده است، به عبارت دیگر مخاطب همه این آیات هفت گانه زنان پیامبرند و مخاطب بخش انتهایی آیه ۳۳ فقط و فقط خمسه طیبه هستند. از سوی دیگر علمای اهل سنت با استناد به وحدت سیاق این آیات، مخاطب بخش پایانی آیه ۳۳ را هم زنان پیامبر می دانند. این پژوهش در راستای نقد و ارزیابی علمی این استدلال مفسران شیعه و اهل سنت با رویکردی توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده است.

«اهل» در لغت

در ابتدای بحث لازم است نظر علمای لغت شناس پیرامون واژه «اهل» تبیین شود: راغب اصفهانی اهل یک فرد را در اصل کسانی می داند که با او در یک خانه زندگی می کنند و به طور مجاز به کسانی که او و آنها را در یک نسب جمع می کنند، اهل بیت آن فرد می گویند. وی می نویسد: «اهل یک فرد کسانی هستند که نَسَب یا دین یا چیزهای دیگری از این قبیل نظیر صنعت، خانه، شهر و ... او و آنها را در یک عنوان جمع کند». وی «أَهْلُونَ»، «أَهْلًا» و «أَهْلَات» را جمع کلمه «اهل» می داند ... و تصریح می کند که اهل یک فرد به معنای زن آن فرد است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۶) او «تَأَهَّلَ» را به معنای زمانی می داند که فرد ازدواج می کند، و جمله دعایی «أَهْلَكَ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ» را نیز از همین باب می داند. (همان: ۹۷)

ابن فارس معتقد است؛ اهل یک فرد عبارت است از همسر وی، و اهل بیت عبارتند از؛ ساکنین خانه. وی «أهلون» و «أهالی» را به عنوان جمع کلمه «اهل» ذکر می کند. (به نقل از: مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱ / ۱۶۸)

علامه مصطفوی معنای حقیقی ماده «اهل» را تحقق انس همراه با تعلق خاطر و وابستگی به یکدیگر می داند، که مراتب متفاوتی دارد و شامل همسر، دختران، پسران، نوه ها و دامادها می شود. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱ / ۱۶۸)

طریحی اهل یک فرد را اعم از شیعیان و پیروان و هم‌کیشان او می‌داند و به‌کار بردن «اهلبیت» را به‌خاطر تبعیت زیاد اهل خانه از وی می‌داند. (طریحی، ۱۳۷۵: ۵ / ۳۱۴)

ابن‌منظور اهل‌بیت را ساکنین خانه تعریف کرده و اهل یک فرد را خاص‌ترین افراد به او معرفی می‌کند. وی به نقل از ابن‌سیده اهل یک فرد را خویشان و نزدیکان او دانسته و جمع آن را «أهلون»، «أهال»، «أهال»، «أهالات» و «أهالات» ذکر می‌کند. او همچنین به نقل از سیبویه می‌گوید: «هر جا اهل مذکر باشد با واو و نون جمع بسته می‌شود و هرگاه مؤنث باشد به شکل أهالات» (ابن‌منظور، ۱۴۰۴: ۱۱ / ۲۸) این لغت‌شناس معروف مقصود از اهل الرجل را همسر وی دانسته و «أهل فلان امرأة یأهل» را به‌معنای ازدواج فرد می‌گیرد. وی مراد از جمله «أهلک الله فی الجنة إیهاً» را به‌معنای اینکه خداوند تو را در بهشت به ازدواج درآورد، می‌گیرد و با اشاره به حدیث نبوی «أعطی الآهل حظین والعزب حظاً» تصریح می‌کند: «الآهل: الذي له زوجة و عیال؛ الآهل کسی است که زن و خانواده دارد». (همان)

خلیل بن احمد نیز اهل یک فرد را همسر وی و خاص‌ترین مردم نسبت به او می‌داند. او اهل‌بیت را ساکنین خانه و «أهلون» و «أهالات» را به‌عنوان جمع «اهل» ذکر می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴ / ۸۹)

خلاصه اینکه؛ «اهل» هر فرد کسانی هستند که به‌سبب قرابت و نزدیکی، انس و الفت و یا به‌واسطه وابستگی به چیزی نظیر خانه، شهر، کار، دین و ... به آن فرد تعلق و ارتباط پیدا می‌کند.

برخلاف دیدگاه جعفر مرتضی، که با برشمردن نظر برخی از لغویون معتقد است؛ «اطلاق عبارت «اهل‌بیت» از نظر لغوی بر همسران پیامبر ﷺ، دست‌کم مورد شک بزرگی است» (عاملی، ۱۳۷۲: ۵۶)، قریب به اتفاق لغویون دست‌کم مصداق «اهل» را همسر انسان معرفی می‌کنند و به‌لحاظ وابستگی و انسی که اعضای خانه به‌خاطر سکونت در آن دارند «اهل‌بیت» را ساکنین خانه تعریف می‌کنند.

از آنجا که لغت‌شناسان جمع «اهل» را گاه به‌صورت «أهلون»، «أهال» و «أهال» و گاه به‌صورت «أهالات» و «أهالات» مطرح می‌کنند، درمی‌یابیم که «اهل» کلمه‌ای جائز‌الوجهین است، یعنی گاه مذکر به‌کار برده می‌شود و گاه به‌صورت مؤنث.

«اهل» در قرآن

کلمه «اهل» و مشتقات آن بیش از ۱۳۰ بار در قرآن کریم به‌کار رفته است که برخی از ترکیب‌های آن عبارتند از: أَهْلُ الْكِتَابِ، أَهْلُ الْإِنجِيلِ، أَهْلُ الْقُرَى، أَهْلُ الْمَدِينَةِ، أَهْلُ الْبَيْتِ، أَهْلُ الدُّكْرِ، أَهْلُ هَذِهِ الْقَرْيَةِ، أَهْلُ النَّارِ، أَهْلُ التَّقْوَى، أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ و

از این تعداد، ترکیب «اهل» و «بیت» فقط سه‌بار در قرآن به‌کار رفته است؛ دوبار به شکل معرفه

«اهل‌البیت»؛ یکی درباره اهل بیت حضرت ابراهیم علیه السلام که ملائکه خطاب به همسر وی گفتند: «رَحِمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (هود / ۷۳) و دیگری درباره اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب / ۳۳) که به آیه «تطهیر» مشهور است. یک بار هم به شکل نکره، «اهل بیت» در داستان حضرت موسی علیه السلام، زمانی که نوزادی کوچک بود و خانواده فرعون او را پیدا کردند ولی او از هیچ زنی شیر نخورد، آنگاه خواهر موسی علیه السلام به آنان گفت: «هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ؛ (قصص / ۱۲) آیا شما را به خاندانی راهنمایی کنم که او را برای شما سرپرستی کنند، درحالی که آنان خیرخواه او هستند؟!»

نگارندگان با دقت فراوان در تمام موارد استفاده «اهل» در قرآن، دریافتند که:

اولاً؛ در چند آیه از این آیات، واژه «اهل». یا مستقیماً درباره «زن و همسر» به کار رفته و یا آنها را عضوی از اعضای خانواده مطرح کرده است. برخی از این آیات به شرح زیر است:

در داستان حضرت یوسف علیه السلام، زلیخا خطاب به همسرش می‌گوید: «قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (یوسف / ۲۵) و از خود به اهل تعبیر می‌کند.

در آیات متعددی درباره داستان حضرت لوط علیه السلام این چنین آمده است: «فَأْتَجَنَّبَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ» (اعراف / ۸۳)؛ «فَتَجَنَّبَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ» (شعراء / ۱۷۱ - ۱۷۰)؛ «إِذْ تَجَنَّبَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ» (صافات / ۱۳۵ - ۱۳۴)؛ «قَالَ إِن فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ * وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُونَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ» (عنكبوت / ۳۳ - ۳۲)؛ «فَأْتَجَنَّبَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ» (نمل / ۵۷) در همه این آیات ابتدا سخن از نجات «اهل» حضرت لوط علیه السلام است و سپس همسر لوط را از آن استثنا می‌کند، به عبارت دیگر اهل شامل همسر وی نیز می‌شود ولی برای رفع سوء برداشت، به سرعت او را از این جمع جدا می‌کند.

در داستان حضرت ایوب علیه السلام آنگاه او که امتحان‌های سخت را پشت سر می‌گذارد، خداوند زن و فرزندش را یکبار دیگر به وی عطا می‌کند؛ «وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذَكَرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ». (ص / ۴۳)

ثانیاً؛ دأب قرآن این است که هر جا واژه «اهل» را استفاده می‌کند و ضمیری بدان اسناد می‌دهد، آن ضمیر در صیغه جمع مذکر است. برای جلوگیری از اطاله کلام برای نمونه تنها به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن

كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * أَمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ. (اعراف / ۹۷ - ۹۶)

وَ جَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ. (حجر / ۶۷)

لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ ... (حديد / ۲۹)

فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوهُمَا ... (كهف / ۷۷)
وَ حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ. (قصص / ۱۲)

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ. (قصص / ۲۹)

خلاصه اینکه؛ با توجه به آنچه که در معنای لغوی اهل بیان شد، استعمال ترکیب‌هایی چون؛ اهل کتاب، اهل الانجیل، اهل المدینه، اهل الذکر، اهل التقوی، اهل النار و ... در قرآن با در نظر گرفتن انس، تعلق و وابستگی بین آنها است و شدت و ضعف در اهلیت، به‌شدت و ضعف در این انس و تعلق بستگی دارد، از این رو قرآن کریم آنان را که با پیغمبری هم عقیده باشند و به او ایمان آورند، اهل و ذریه او می‌داند و از کسانی که وابستگی و تعلق روحی و معنوی با او ندارند، سلب اهلیت می‌کند، هر چند که از فرزندان او باشند، همان‌گونه که خدا درباره فرزند حضرت نوح علیه السلام فرمود: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ». (هود / ۴۶)

با دقت فراوان در تمام موارد استفاده «اهل» در قرآن، می‌توان گفت که اولاً؛ در برخی از آیات قرآن، واژه «اهل» یا مستقیماً درباره «زن و همسر» به‌کار رفته و یا آنها را عضوی از اعضای خانواده مطرح کرده است و ثانیاً؛ با توجه به موارد اسناد ضمیر به واژه «اهل»، می‌توان گفت قرآن همیشه ضمیری در صیغه جمع مذکر به کلمه اهل اسناد می‌دهد.

بررسی علل تغییر ضمیر در آیه تطهیر

الف) دیدگاه برخی از علما و مفسران شیعه

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، یکی از ادله علمای شیعه مبنی بر اختصاص عبارت «اهل البیت» به خمسه طیبه، «تغییر ضمیر» در آیه تطهیر است. ایشان معتقدند که چون ضمایر مؤنث موجود در این آیات هفت‌گانه یک‌بار به ضمیر مذکر تغییر کرده‌اند، مخاطب آیه نیز به تبع آن تغییر می‌کند و

افاده معنای جدیدی می‌کند. در ادامه به برخی از این نظرات اشاره می‌شود:

شیخ مفید در تفسیر خود با اشاره به اینکه در کلام عرب (میم) علامت جمع مذکر و (نون) علامت جمع مؤنث است و استعمال این دو علامت به‌جای یکدیگر چه در حقیقت و چه در مجاز جایز نیست، به آیه تطهیر اشاره کرده و می‌گوید: «فلما جاء بالمیم و أسقط النون، علمنا أنه لم يتوجه هذا القول إلى المذكور الأول؛ پس چون «میم» را آورد و «نون» را برداشت، می‌فهمیم که آن مطلب متوجه مخاطب ابتدایی نیست». (مفید، ۱۴۲۴: ۱ / ۴۱۳)

شیخ طوسی با ردّ نظر عکرمه که اهل‌بیت را منحصر در همسران پیامبر می‌داند، می‌گوید:

و هذا غلط، لأنه لو كانت الآية فيهن خاصة لكني عنهم بكناية المؤنث، كما فعل في جميع ما تقدم من الآيات ... فكان يجب أن يقول إنما يريد الله ليذهب عنكن الرجس اهل البيت و يطهركن، فلما كنا بكتابة المذكر دلّ على ان النساء لا مدخل هن فيها. (طوسی، بی‌تا: ۸ / ۳۴۱)

اگر آیه مخصوص زنان پیامبر بود باید مثل آیات قبل با ضمیر مؤنث آنها را خطاب می‌کرد، پس حالا که از ضمیر مذکر استفاده کرده، این را می‌رساند که آنها هیچ مدخلیتی در این قسمت از آیه ندارند.

طبرسی در ذیل آیه مورد بحث و در توجیه تغییر ضمیر، التفات ضمیر از مخاطب به غیر و سپس بازگشتن به آن را عادت فصحای عرب دانسته و دأب قرآن را این‌گونه می‌داند. (طبرسی، ۱۳۵۰: ۲۰ / ۱۱۴)

ابوالفتوح رازی نیز در این باره معتقد است که ظاهر قرآن مانع از این است که ضمائر مذکر را برای زنان استفاده کند. (رازی، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۴۱۷)

علامه طباطبایی نیز با ذکر همین استدلال می‌گوید: «مراد از اهل بیت در اینجا فقط زنان پیامبر نیست، چراکه آیه آنان را با ضمیر «عنکم» خطاب داده و هیچ‌گاه صحیح نیست ضمیر مردان را به زنان ارجاع دهند.» ایشان ادامه می‌دهند: «فأما أن يكون الخطاب لهنّ و لغيرهنّ ... أو يكون الخطاب لغيرهنّ؛ پس یا باید گفت منظور از اهل بیت زنان پیامبر و دیگران هستند ... و یا اینکه مخاطب آیه افرادی غیر از ایشان‌اند». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۰)

قرشی با اشاره به تغییر ناگهانی ضمیر در این آیات هفت‌گانه می‌گوید: «از این تغییر وضع، یقین می‌کنیم که مراد از «عَنكُمْ و يُطَهَّرْكُمْ» جمعی است که همه‌شان و یا اکثرشان مرد هستند و گرنه مثل سیاق قبل می‌فرمود: (لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَّ يُطَهَّرْكُمْ)». (قرشی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۳۵)

صاحب تفسیر نمونه نیز تصریح می‌کند: «ضمیرهایی که در آیات قبل و بعد آمده عموماً به صورت جمع مؤنث است، درحالی که ضمائر این قسمت از آیه همه به صورت جمع مذکر است و این نشان می‌دهد معنای دیگری در نظر بوده است». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۲۹۴)

جوادی آملی نیز در توجیه تغییر ضمیر به همین معنا اشاره کرده و می‌گوید: «التفات از مخاطبی به مخاطب دیگر که یکی از فنون بلاغت است و به کارگرفتن جمله معترضه که حاکی از اهمیت و فوریت مطلب است، دو مانع جدی برای حکم قطعی به وحدت مخاطب در مجموع این هفت آیه است، از این رو تغییر در خطاب، گویای تغییر مخاطب است. بر این اساس مفسران مکتب امامت معتقدند مخاطب آیه تطهیر که ضمائر جمع مذکر (کن، تن، ن) آمده است، غیر از مخاطب آیات قبلی و بعدی است که در آنها ضمائر جمع مؤنث (کن، تن، ن) آمده است». (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵ / ۶۶)

خلاصه اینکه؛ با دقت در آنچه که بیان شد به روشنی می‌توان دریافت که «تغییر ضمیر» یکی از مهم‌ترین ادله اغلب علمای متقدم و متأخر شیعه مبنی بر رد شمول زنان پیامبر در مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر است. حال به ارزیابی دیدگاه برخی از مفسران اهل سنت پرداخته و به طور مختصر به برخی از این نظرات اشاره می‌شود:

ب) دیدگاه برخی از مفسران اهل سنت

مقاتل بن سلیمان بلخی با نظر به معنای لغوی اهل بیت و با استدلال به اینکه چون زنان پیامبر در خانه ایشان هستند، مقصود از اهل بیت را همسران پیامبر دانسته و می‌گوید: «يَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ یعنی نساء النبي لأنهن في بيته و يُطَهَّرُكُمْ من الإثم الذي ذكر في هذه الآيات تطهيراً». (بلخی، ۱۴۲۳: ۳ / ۴۸۹)

سمرقندی در استدلال به چرایی استفاده از ضمیر مذکر، به لفظ «اهل بیت» اشاره کرده و می‌گوید: «لأن لفظ أهل البيت يصلح أن يذكر و يؤنث؛ چون لفظ اهل بیت می‌تواند مذکر و یا مؤنث واقع شود». (سمرقندی، بی‌تا: ۳ / ۶۰)

ابوحيان اندلسی پس از آن که ادعا می‌کند آیات هفت‌گانه مخاطب مشترک دارند، در اظهار نظر عجیبی همسران پیامبر و پدران ایشان را مشمول (أهل البيت) دانسته و با اشاره به قاعده تغليب این تغییر ضمیر را توجیه می‌کند و می‌گوید: «و لما كان أهل البيت يشملهن و آباءهن، غلب المذكر على المؤنث في الخطاب في: عَنْكُمْ، و يُطَهَّرُكُمْ». (اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۷۹)

ابن‌عاشور حضور پیامبر در خانه و در جمع زنان خویش و استفاده از قاعده تغليب را علت آوردن ضمیر مذکر دانسته و می‌گوید: «و إنما جيء بالضميرين بصيغة جمع المذكر على طريقة التغليب لاعتبار النبي

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ فِي هَذَا الْخُطَابِ لِأَنَّهُ رَبُّ كُلِّ بَيْتٍ مِنْ بَيْوتِهِمْ وَ هُوَ حَاضِرٌ هَذَا الْخُطَابِ إِذْ هُوَ مَبْلُغُهُ».
(ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۲۴۶)

ابن جوزی نیز حضور رسول خدا ﷺ در میان زنانش و نیز استفاده از قاعده تغليب را علت به کار بردن ضمير مذکر می داند و می گوید: «لأن رسول الله ﷺ كان فيهنّ فغلب المذكر». (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۶ / ۳۸۱)
قرطبی با استناد به سیاق آیات، خمسه طيبه را همراه با زنان پیامبر در زمره اهل بيت دانسته و استفاده از ضمير مذکر را از باب تغليب، ضابطه ای کلی برمی شمارد و می گوید: «لأن رسول الله صلى الله عليه و عليا و حسنا و حسينا كان فيهم، و إذا أجمع المذكر و المؤنث غلب المذكر، فاقترض الآية أن الزوجات من أهل البيت، لان الآية فيهن، و المخاطبة هن يدل عليه سياق الكلام.» (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۱۸۳)
ألوسی یکی دیگر از مفسرين اهل سنت در توجیه اختلاف ضمائر می گوید:

و أورد ضمير جمع المذكر في (عَنكُمْ) و (يُطَهَّرْكُمْ) رعاية للفظ الأهل و العرب كثيراً ما يستعملون صيغ المذكر في مثل ذلك رعاية للفظ. (ألوسی، بی تا: ۱۱ / ۱۹۴)
(کم) در این دو مورد برای مراعات لفظ (أهل) مذکر آورده شده است و عرب در مثل چنین حالتی بسیار از صیغه مذکر استفاده می کند.

وی برای این مدعا به آیه «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (هود / ۷۳)، که در آن ملائکه در پاسخ به تعجب همسر حضرت ابراهیم ﷺ که مفرد مؤنث بود، ضمير جمع مذکر (عَلَيْكُمْ) به کار برده اند و آیه «فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ...» (طه / ۱۰)، که در آن همسر موسی ﷺ که با (أهله) به او اشاره شده است نیز مفرد مؤنث بوده، ولی برایش جمع مذکر (امكثوا) و (عاتيكم) به کار رفته، استشهاد می کند. (همان)
جوادی آملی در ردّ نظر آلوسی دو اشکال لفظی وارد می کند:
نخست اینکه؛ ایشان در ضمن سؤالی می پرسد:

آیا دو ضمير «کم» خصوصیت خاصی دارند که به اعتبار لفظ «أهل» مذکر آمده ولی ۲۲ ضمیری که در مجموع این هفت آیه آمده اند، آن خصوصیت را ندارند؟
اگر مراعات لفظ «أهل» اقتضای چنین تغییری را دارد، باید در هشت ضمير این آیه یا حداقل دو ضمير بعد از کلمه «أهل»، در آیه بعدی نیز چنین می شد.
(جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵ / ۱۳۵)

در پاسخ به این اشکال باید گفت که؛ تنها خصوصیتی که باعث شده این دو ضمير مذکر به کار

برده شوند «رعایت لفظ اهل» است. توضیح آنکه در آیات قبل مخاطب زنان پیامبر بوده اند و از کلمه اهل استفاده نشده، از این رو ضمائر جمع مؤنث به کار رفته است، ولی در قسمت آخر آیه ۳۳ چون لفظ اهل به کار رفته، به اعتبار لفظ آن از ضمیر مذکر استفاده شده است.

اشکال دومی که آیت‌الله جوادی آملی مطرح می‌کنند این است که؛ این توجیه [رعایت لفظ اهل] در صورتی صحیح است که ارجاع ضمیر مؤنث به «اهل»، غلط باشد، درحالی که «اهل» کلمه‌ای جایز‌الوجهین است؛ یعنی هم ضمیر مذکر به آن برمی‌گردد و هم ضمیر مؤنث. ایشان برای تأکید بر این مطلب به قول «سمرقندی» استناد می‌کنند، که می‌گوید: «لفظ اهل البیت می‌تواند مذکر و مؤنث واقع شود.»^۱ ایشان همچنین با نقل این مطلب از زمخشری مبنی بر اینکه اگر به جای (هَذِهِ الْقَرِیَّةِ الظَّالِمِ أَهْلِهَا) می‌فرمود: «الظَّالِمَةُ أَهْلِهَا» باز هم صحیح بود، به جایز‌الوجهین بودن «اهل» تأکید می‌کند.^۲ (همان: ۱۳۶)

در پاسخ به اشکال دوم باید گفت همان‌گونه که در ابتدای بحث بدان اشاره شد، هرچند اهل واژه‌ای جایز‌الوجهین است و اغلب لغویون «اهلون»، «اهلات»، «اهلات» و ... را به‌عنوان جمع «اهل» ذکر کرده‌اند اما آنچه که انکارناپذیر است این است که هرگاه قرآن در آیه‌ای از لفظ اهل استفاده کند و ضمیری بدان اسناد دهد، آن ضمیر همیشه در صیغه جمع مذکر به کار می‌رود، آیه تطهیر نیز از این امر مستثنا نیست.

ایشان در ادامه می‌نویسد: «شاهد ادعای زمخشری و سمرقندی این است که اولاً قرآن کریم که غالباً واژه «اهل» را در مذکر استعمال کرده و فعل یا ضمیر مذکر به آن اسناد داده، در آیه «شَغَلْنَا أَمْوَالَنَا وَ أَهْلُونَ» فعل مؤنث نیز به آن اسناد داده است. «اهلونا» فاعل «شغلتنا» است که «و» علامت رفع آن است.» (همان: ۱۳۷) وی این قول را به اعراب القرآن درویش اسناد می‌دهد. (همان) از این جمله می‌توان دو نوع برداشت نمود، اول اینکه؛ زمخشری و سمرقندی به آیه «شَغَلْنَا أَمْوَالَنَا وَ أَهْلُونَ» استشهاد کرده، و آیت‌الله جوادی آملی فقط این استشهاد را نقل کرده باشد و دوم اینکه آیت‌الله جوادی آملی برای تأکید بر ادعای زمخشری و سمرقندی به این آیه استشهاد کرده باشد. در فرض اول، نگارنده با دقت فراوان در تفاسیر کشاف و بحر العلوم ذیل آیات مورد بحث چنین مطلبی را نیافت. در فرض دوم باید گفت؛ این مطلب جای بسی تأمل دارد؛ چراکه فعل «شغلتنا» به خاطر اسناد به «اموالنا» که جمع غیر عاقل است و حکم مفرد مؤنث دارد، تأنیث شده و اساساً فعل

۱. و قال (عنکم) بلفظ التذکیر و لم یقل «عنکن» لأن لفظ «اهل البیت» یصلح أن یدکر و یؤنث. (سمرقندی، بی تا: ۳ / ۶۰)

۲. و لو أُنث فقیل: الظَّالِمَةُ أَهْلِهَا، لجاز لا لتأنیث الموصوف و لکن لأن الأهل یدکر و یؤنث. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۲۵)

تحلیل مستندات اختصاص واژه «اهل البيت» به خمسة طيبه در آيه تطهير □ ۷۱

در جنسيت از فاعل خویش تبعیت می‌کند نه از معطوف فاعل، چنان که محیی‌الدین درویش در این زمینه، «اهلونا» را ملحق به جمع مذکر سالم و عطف به «اموالنا» می‌داند، (درویش، ۱۴۱۵: ۹ / ۲۳۷) دعاس نیز «اموالنا» را فاعل «شغلتنا» دانسته و «اهلونا» را معطوف به آن ذکر می‌کند. (دعاس، ۱۴۲۵: ۳ / ۲۴۳)

ایشان در نقد این استدلال، با اشاره به تفسیر آلوسی در ذیل آیات مشابه در سوره های «طه»، «نمل» و «قصص» می‌گوید:

او [آلوسی] در هیچ‌یک از این موارد تبعیت ضمیر جمع در (سَاتِيكُمْ)، (ءَاتِيكُمْ)، (تَصْطَلُونَ) از لفظ «اهل» را اصلاً مطرح نکرده است، بلکه همواره بر این باور است که چون همسر موسی عليه السلام هنگام حرکت آن حضرت به سوی آتش و نور مقدس وادی طور تنها نبود، کلیم خدا با ضمیر جمع به آنها خطاب کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵ / ۱۴۲)

در پاسخ باید گفت که اولاً؛ این طور نبوده که آلوسی تبعیت ضمیر جمع از لفظ اهل را اصلاً مطرح نکرده باشد، بلکه وی به عنوان یک قول از احتمال رعایت لفظ «اهل» در این آیات یاد می‌کند؛ «و الخطاب قيل: للمرأة و الولد و الخادم، و قيل: للمرأة وحدها. و الجمع إمّا لظاهر لفظ الأهل أو للتخيم» (همان: ۸ / ۴۸۱)، ثانیاً؛ به فرض این که جمع کثیری همراه حضرت موسی بوده باشند سخن اینجاست که در این آیات به‌خاطر رعایت لفظ اهل ضمیر مذکر آورده شده، چه تعداد اهل یک نفر باشد و چه جمع کثیری.

نگارنده با این سؤال که آیا ائمه معصومین عليهم السلام تغییر ضمیر از جمع مؤنث به جمع مذکر را به عنوان یکی از ادله اثبات اختصاص عبارت «اهل البيت» به خویش مطرح کرده‌اند یا خیر، به جستجو در منابع حدیثی شیعی پرداخت و تنها با یک حدیث مواجه شد که در آن این استدلال مطرح شده بود و آن حدیث این است: «عنه: قال أبو الجارود: و قال زيد بن علي بن الحسين عليه السلام: إن جهالا من الناس يزعمون أمّا أراد بهذه الآية أزواج النبي، و قد كذبوا و أمّوا، و ایم الله لو عني بها أزواج النبي قال: ليذهب عنكن الرجس، و يطهركن تطهيرا. و لكان الكلام مؤنثا، كما قال: و أدكرن ما يتلى في بيوتكن و لستن كأحد من النساء» (قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۹۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۴۶۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۹۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۵ / ۲۱۳) که اولاً؛ سلسله راویان این حدیث مجهول و به ابوالجارود منسوب شده است، و ثانیاً؛ به فرض صحت سند، این حدیث از زید بن علی بن الحسین عليه السلام نقل شده، که هرچند قابل احترام است اما سخن معصوم نیست و آنچه که ظاهر است این است که ائمه اطهار عليهم السلام هیچ‌گاه با استدلال به تغییر ضمیر مدعی خود را اثبات نکرده‌اند.

خلاصه اینکه؛ همان‌گونه که به تفصیل اشاره شد قاطبه مفسران اهل سنت با استناد به وحدت سیاق آیات، همسران پیامبر را نیز در مصادیق «اهل‌البیت» داخل کرده و تغییر ضمیر را با قاعده «تغلیب» و یا رعایت «ظاهر لفظ اهل» توجیه می‌کنند. توضیح آنکه؛ اگر به تنهایی و بدون هیچ پیش فرضی با این آیات روبه‌رو شویم، طبق سیاق آیات، مخاطب آن زنان پیامبر هستند. حال اگر:

۱. شخص پیامبر را یکی از اعضای اهل بیت خویش در نظر بگیریم، قرآن طبق قاعده تغلیب از صیغه جمع مذکر استفاده کرده و این بلامانع و حتی مطابق با قواعد عرب است.
۲. اهل بیت را منحصر در زنان پیامبر در نظر بگیریم و شخص پیامبر را در مصادیق اهل بیت داخل نکنیم، روش معمول قرآن ایجاب می‌کند که برای رعایت لفظ اهل از ضمائر مذکر استفاده نماید. نتیجه این نگاه‌ها تا اینجا، این است که بی‌تردید ترکیب «اهل‌البیت» از لحاظ استعمال لغوی مطلق است و می‌تواند بسیاری از وابستگان پیامبر از جمله همسران او را شامل شود، چنان‌که استعمال‌های قرآنی نیز آن را تأیید می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌گوید:

بحث لغوی به تنهایی در به‌دست آوردن مراد متکلم کفایت نمی‌کند؛ زیرا در هر استعمالی متکلم حق دارد از باب «حکومت» یا «ورود»، گستره معنای لغوی را توسعه دهد و یا مضیق گرداند ... و به اصطلاح اصول فقه «مراد جدی» متکلم غیر از «مراد استعمالی» او باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵ / ۵۹)

در پایان توجه به چند نکته مهم در تعیین مصداق حقیقی «اهل‌البیت» و به تبع آن تفسیر این آیه شریفه بسیار ضروری است:

شأن نزول آیه تطهیر

در تفاسیر شیعه و اهل سنت دو دسته روایت در شأن نزول این آیات وارد شده است. نخست روایاتی که در شأن دو آیه ۲۸ و ۲۹ آمده و دوم روایاتی که در شأن قسمت آخر آیه ۳۳ بیان شده است. در مورد دسته نخست دو نقل وجود دارد:

پیامبر اکرم ﷺ چند روزی برای نماز در مسجد حاضر نشدند. این عدم حضور برای مردم سؤال بود. عمر علت این امر را جویا شد. وقتی به محضر پیامبر رسید با خود گفت: خوب است چیزی بگویم تا پیامبر بخندد، از این رو گفت: اگر ببینم فلانی [منظور وی همسر خودش بوده است] از من نفقه می‌خواهد، به شدت کتکش می‌زنم. پیامبر فرمود: همین [تقاضای نفقه غیر متعارف] مرا از [حضور در جمع] شما باز داشته است. آنگاه عمر به سراغ دخترش حفصه رفت و گفت: از رسول خدا

چیزی تقاضا نکن؛ اگر چیزی خواستی به خودم مراجعه کن؛ سپس به سراغ دیگر همسران آن حضرت رفت ... پس از این جریان، آیات «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب / ۲۹ - ۲۸) نازل شد. پیامبر اکرم ﷺ پیش از دیگران عایشه را در جریان نزول این آیه گذاشت و او را بین ترجیح آخرت بر دنیا و زندگی با آن حضرت و بین ترجیح دنیا بر آخرت و جدایی از او مخیر کرد، اما عایشه زندگی با آن حضرت را برگزید؛ سپس دیگر همسران را بین این دو مخیر کرد، ولی همگی ادامه زندگی با آن حضرت را برگزیدند. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱ / ۹۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳ / ۴۸۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۱۶۴؛ عنایه، ۱۴۱۱: ۳۱۵؛ بخاری ۱۴۷۸: ح و احمد بن حنبل، ۳ / ۳۲۸؛ به نقل از: العک، ۱۴۲۴: ۲۷۴)

همسران پیامبر به یکدیگر حسادت هُووگرانه می‌ورزیدند، از این رو پیامبر اکرم ﷺ یک ماه از آنها کناره گرفت، آنگاه آیه تخییر همسران او نازل شد. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱ / ۹۹)

دسته دوم روایاتی است که سبب نزول بخشی از آیه ۳۳ را بیان می‌کند؛ بدین شرح که «روزی پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ همگی در خانه امّ سلمه گردهم می‌آیند، سپس پیامبر ایشان را با عیابی می‌پوشاند و می‌گوید: «خدایا! اینها اهل بیت من هستند، پس رجس و ناپسندی را از اینها دور کن و مطهرشان گردان»، در این حال آیه تطهیر نازل می‌شود. آنگاه امّ سلمه عرض می‌کند: ای رسول خدا! آیا من نیز جزو این مجموعه هستم؟ و پیامبر در جواب او می‌فرماید: تو بر خیر هستی». (همان: ۲۲ / ۷؛ مفید، ۱۴۲۴: ۱ / ۴۱۰؛ طوسی، بی‌تا: ۸ / ۳۳۹؛ طبرسی، ۱۳۵۰: ۸ / ۵۵۹؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۹۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۲۱؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۷۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۲۴۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۱۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۹۸؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳ / ۶۳۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۸۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳ / ۴۶۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۳۱؛ العک، ۱۴۲۴: ۲۷۴؛ عنایه، ۱۴۱۱: ۳۱۵)

با توجه به همین شأن نزول‌ها، علامه طباطبایی با ذکر این مطلب که در هیچ یک از ۷۰ طریق متعددی که در ذیل آیه تطهیر از شیعه و اهل سنت نقل شده، حتی یکی از آنها نیز به نزول قسمت انتهایی آیه ۳۳ در خلال آیاتی که مخاطب آنها زنان پیامبر است، اشاره ندارد، معتقد است که این قسمت از آیه مورد بحث، مستقلاً و در یک واقعه جداگانه نازل شده است و تنها و تنها به خمسه طیبه اختصاص دارد و همسران پیامبر مشمول آن نیستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۲)

وی در ادامه می‌افزاید:

حال [این قسمت از آیه] یا به دستور رسول خدا ﷺ در بین آن آیات قرار گرفته و یا بعد از رحلت رسول خدا ﷺ اصحاب در هنگام تالیف آیات قرآنی در آنجا نوشته‌اند. مؤید این احتمال این است که اگر این قسمت از آیه تطهیر از

بین جملات آیه «وَقَرْنِ فِي يُبُوتِكُنَّ» حذف شود، اتصال و انسجام آن به هم نمی‌خورد. (همان)

حسکانی عالم سنی مذهب قرن پنجم نیز در این باره می‌گوید:

احادیث رسیده بر نزول این آیه کریمه در شأن اهل بیت متواتر است. به تصریح اکثر این احادیث که غالبشان صحیح هستند و در صحاح روایت شده‌اند؛ منظور از اهل بیت علی، فاطمه، حسن و حسین هستند ... منابع این احادیث غیر قابل شمارش است، ولی ما به آنچه که از آنها متداول و نشر یافته است اشاره می‌کنیم. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹ / ۲)

وی سپس به تفصیل این احادیث را ذکر می‌کند. (همان: ۱۴۰ - ۱۹)
محقق کرکی در این زمینه می‌گوید:

گذشته از روایات شیعه، که از شمار بیرون است، این مسئله به تواتر رسیده و مفید یقین است. کدام حدیث در سنت از این روایت محکم‌تر است که روایات اهل سنت و رجال شیعه امامیه بر نقل آن اتفاق نظر دارند؟! و اگر قرار باشد که از راه سنت آن را رد کنند، هیچ روایتی در سنت نمی‌ماند مگر اینکه مردود باشد. (کرکی، ۱۳۸۵: ۸۵)

سیره پیامبر در معرفی مصادیق «اهل‌البیت»

رسول اکرم ﷺ پس از نزول آیه تطهیر، سعی وافری در جهت شناساندن هرچه بیشتر مصادیق «اهل‌البیت» نمودند و این معرفی را از طریق برنامه‌ای عملی در پیش گرفتند و طرح بسیار مناسبی پیاده کردند. ایشان هرگاه که برای نماز صبح و یا به تعبیر برخی دیگر از روایات هرگاه برای هریک از نمازهای پنج‌گانه، از خانه بیرون می‌رفتند، ابتدا به حجره حضرت فاطمه علیها السلام می‌آمدند و می‌فرمودند: «الصلاة يا اهل‌البیت، انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل‌البیت و یطهرکم تطهیراً؛ نماز، ای اهل‌بیت! و آنگاه آیه مبارکه تطهیر را تلاوت می‌فرمود». در مدت زمان اجرای این طرح، نقل‌های متفاوتی رسیده که دست‌کم زمان آن را چهل روز برشمرده‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۴۵۰ و ۴۶۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۹۹) برخی از نقل‌ها مدت شش ماه را مطرح کرده، (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۲۴۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۶ - ۵؛ سیوطی، همان؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۸ / ۲۶۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۳۲۴) و برخی دیگر این سیره پیامبر را تا هفت ماه دانسته‌اند. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۲۳)

تحلیل مستندات اختصاص واژه «اهل البیت» به خمسه طیبه در آیه تطهیر □ ۷۵

طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۶) عده‌ای معتقدند که حضرت هشت ماه متوالی به این کار همت گماشتند، (سیوطی، همان) و برخی نیز مدت این کار را تا نه ماه احصا کرده‌اند. (بنگرید به: همان: ۱۹۹ - ۱۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۵ / ۲۳۳ - ۲۰۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۵ و ۷؛ شوکانی، همان: ۲۷۹ - ۲۷۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۲ / ۴۵۹ - ۴۵۷؛ طبرسی، ۱۳۵۰: ۹ / ۱۳۸ و ۸ / ۳۵۶ - ۳۵۷؛ طوسی، بی‌تا: ۸ / ۳۰۷ و ۳۰۹؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۷۷ - ۲۷۰؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۸۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۴۶۷ و ۴۶۹) در نهایت برخی دیگر تصریح می‌کنند که پیامبر تا پایان عمر شریفشان هر صبح ساکنین خانه فاطمه علیها السلام را با ندای «اهل البیت» به نماز فرامی‌خواندند. (همان: ۴۵۶؛ مجلسی، همان: ۲۰۷)

نکته قابل توجه اینجا است که گذشته از مدت زمان طولانی که پیامبر به این کار همت گماشتند، در اغلب آنها از ترکیب‌هایی چون «کان یمر»، «کلّ غداة»، «کلّ یوم»، «لیس من مرة ... إلا»، «کلّ سحرة» و ... اشاره شده است، که افاده استمرار می‌کنند و بیانگر سیره دائمی و همیشگی پیامبر در اجرای این برنامه است.

در اینجا مناسب است که بار دیگر این جمله محقق کرکی را تکرار کنیم که اگر قرار باشد این روایات فراوان و متواتر که اهل بیت را منحصر در اصحاب کسا می‌داند و ایشان را تنها مصداق اهل بیت معرفی می‌کند، را از سنت کنار بگذاریم، دیگر هیچ روایتی باقی نمی‌ماند مگر اینکه مردود باشد.

استشهاد ائمه اطهار علیهم السلام به آیه تطهیر

یکی دیگر از نکات مهم در انحصار آیه تطهیر به خمسه طیبه، نحوه استدلال ائمه معصومین علیهم السلام به این آیه است. لذا این سؤال مطرح می‌شود که کیفیت استشهاد ائمه اطهار علیهم السلام به این آیه چگونه بوده است و ایشان در اثبات انحصار این آیه به خود به چه ادله‌ای استدلال می‌کرده‌اند؟ در ادامه برای پاسخ به این پرسش به برخی از نمونه‌های استشهاد ذوات مقدس و نورانی ائمه اطهار علیهم السلام به آیه تطهیر اشاره می‌شود:

الف) استشهاد امام علی علیه السلام به آیه تطهیر در احتجاج با ابوبکر، چند روز پس از ماجرای سقیفه. (صدوق، ۱۴۰۳: ۲ / ۵۴۸)

ب) استشهاد امام علی علیه السلام به آیه تطهیر در احتجاج با ابوبکر، در ماجرای فدک. (همو، بی‌تا: ۱ / ۲۲۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰ / ۳۰۶)

ج) استشهاد امام علی علیه السلام به آیه تطهیر در روز شورا. (صدوق، ۱۴۰۳: ۲ / ۵۶۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۳۴۵)

د) استشهاد امام علی علیه السلام به آیه تطهیر در زمان عثمان در جمع مهاجر و انصار. (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۹۴ / ۱؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۷۲)

ه) استشهاد امام حسن علیه السلام به آیه تطهیر پس از شهادت پدر بزرگوارشان، در مسجد کوفه. (مفید، ۱۴۱۳: ۸ / ۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳ / ۳۶۲)

و) استشهاد امام حسن علیه السلام به آیه تطهیر پس از پذیرش صلح، در سخنرانی خود در حضور معاویه. (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۶۵ - ۵۶۴)

ز) استشهاد امام حسن علیه السلام به آیه تطهیر پس از شفا یافتن از زخمی که مردی از بنی اسد در حال نماز به پای ایشان وارد کرد. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۳ / ۴۹۵)

ح) استشهاد امام سجاد علیه السلام به آیه تطهیر در هنگام اسارت در شام. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲ / ۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۵ / ۱۵۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۱۲۱؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۱۶۵)

ط) استشهاد امام رضا علیه السلام به آیه تطهیر در جلسه مأمون. (همان: ۴۲۲ - ۴۲۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲۵۶ / ۶ - ۲۵۵)

نکته قابل تأمل این است که اولاً؛ در هیچ یک از این موارد، هیچ‌گاه مخاطبان آن خدشه وارد نکرده و معترض نشده‌اند. ثانیاً؛ هیچ‌گاه افراد دیگر را در زمره اهل بیت پیامبر وارد نکرده‌اند، بلکه افراد به محض شنیدن این مطلب سرخضوع فرود می‌آوردند و ساکت می‌شدند؛ به عبارت دیگر در آن زمان انحصار آیه تطهیر به خمسه طیبه آن قدر روشن و واضح بوده که خود این آیه محل استناد ائمه اطهار برای اثبات حقانیت خویش به‌شمار می‌آمده، نه اینکه دلیل دیگری در انحصار آیه تطهیر به خویش ارائه کنند. به دیگر سخن این مطلب در زمان معصومین علیهم السلام چون روز روشن بوده و همه مسلمانان، با همت فراوان پیامبر مصادیق اهل بیت را شناخته بودند، از این رو در آن زمان افرادی چون عکرمه و در زمان‌های بعد افراد دیگری که چشم خود را بر حقایق بستند، اصرار داشتند که حقیقت را کتمان و تاریخ را تحریف کرده و به مردم بیاوراند که این آیه تنها در شأن همسران پیامبر نازل شده است. از همین رو است که امام صادق علیه السلام به ابوبصیر می‌فرماید:

... فَلَوْ سَكَتَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَلَمْ يَبَيِّنْ مَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ لَادَّعَاهَا آلُ فُلَانٍ وَ آلُ فُلَانٍ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ تَصْدِيقاً لِنَبِيِّهِ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» ... (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۸۷)

... پس اگر پیامبر ساکت می‌بود و تبیین نمی‌کرد که چه کسی اهل بیتش به‌شمار می‌آید، قطعاً آل فلان و آل فلان مدعی قرار گرفتن در زمره اهل بیت پیامبر می‌شدند.

نتیجه

«اهل» هر فرد کسانی هستند که به سبب قرابت و نزدیکی، انس و الفت و یا به واسطه وابستگی به چیزی نظیر خانه، شهر، کار، دین و ... به آن فرد تعلق و ارتباط پیدا می‌کند. قریب به اتفاق لغویون کمترین مصداق «اهل» را همسر انسان معرفی می‌کنند و به لحاظ وابستگی و انسی که اعضای خانه به خاطر سکونت در آن دارند «اهل البیت» را ساکنین خانه تعریف می‌کنند.

با دقت فراوان در تمام موارد استفاده «اهل» در قرآن، می‌توان گفت: اولاً؛ در برخی از آیات قرآن، واژه «اهل» یا مستقیماً درباره «زن و همسر» به کار رفته و یا آنها را عضوی از اعضای خانواده مطرح کرده است و ثانیاً؛ با توجه به موارد اسناد ضمیر به واژه «اهل»، می‌توان گفت قرآن همیشه ضمیری در صیغه جمع مذکر به کلمه اهل اسناد می‌دهد.

با دقت در نظرات مفسران شیعه به روشنی می‌توان دریافت که «تغییر ضمیر» یکی از مهم‌ترین ادله اغلب علمای متقدم و متأخر شیعه مبنی بر رد شمول زنان پیامبر در مصداق اهل بیت در آیه تطهیر است، اما قاطبه مفسران اهل سنت با استناد به وحدت سیاق آیات، همسران پیامبر را نیز در مصداق «اهل البیت» داخل کرده و تغییر ضمیر را با قاعده «تغلیب» و یا رعایت «ظاهر لفظ اهل» توجیه می‌کنند. از این رو می‌توان گفت هرچند با دلایل متقن عقلی و نقلی می‌توان ثابت کرد اهل بیت مختص در خمسه طیبه است، ولی بی‌تردید ترکیب «اهل البیت» از لحاظ استعمالات لغوی مطلق است و می‌تواند بسیاری از وابستگان پیامبر از جمله همسران او را شامل شود، چنان که استعمال‌های قرآنی نیز آن را تأیید می‌کنند.

با جستجو در منابع حدیثی شیعی نیز این نتیجه به دست می‌آید که ائمه اطهار علیهم‌السلام برای اثبات مدعای خود هیچ‌گاه به تغییر ضمیر، مدعای خود را اثبات نکرده‌اند.

مصداق راستین اهل البیت در پرتو توجه به موارد ذیل به دست می‌آید:

الف) شأن نزول آیه تطهیر؛

ب) سیره پیامبر در معرفی مصداق «اهل البیت»؛

ج) استشهاد ائمه اطهار علیهم‌السلام به آیه تطهیر.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

- آلوسی شهاب‌الدین سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی،

تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دار الکتب العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ج ۳.
- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبد الله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *ادب فنای مقرران*، قم، اسراء، ج ۳.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد، ۱۴۱۱ ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین علی، ۱۴۰۹ ق، *تأویل الآیات الظاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نورالثقلین*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ج ۴.
- دروزة، محمد عزت، ۱۳۸۳ ق، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
- درویش، محیی‌الدین، ۱۴۱۵ ق، *اعراب القرآن و بیانه*، دمشق، دار الارشاد، ج ۴.
- دعاس، حمیدان قاسم، ۱۴۲۵ ق، *اعراب القرآن الکریم*، دمشق، دار المنیر و دار الفارابی.

- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار العلم.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۳.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بی تا، *بحر العلوم*، بی جا، بی نا.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال‌الدین و جلال‌الدین محلی، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ ق، *فتح القدير*، دمشق، دار ابن کثیر.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ۱۳۶۲، *الأمالی*، کتابخانه اسلامی، چ ۴.
- _____، ۱۳۹۵ ق، *کمال‌الدین*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۲.
- _____، ۱۴۰۳ ق، *الخصال*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- _____، بی تا، *علل الشرائع*، قم، مکتبه الداوری.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۵۰، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، فراهانی.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *الإحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چ ۳.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *الأمالی*، قم، دار الثقافة.
- _____، بی تا، *التبیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، جعفر مرتضی، ۱۳۷۲، *اهل بیت در آیه تطهير*، ترجمه محمد سپهری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۲.
- العکک، خالد عبدالرحمن، ۱۴۲۴ ق، *تسهیل الوصول إلى معرفة أسباب النزول*، بیروت، دار المعرفة، چ ۳.
- عنایه، غازی، ۱۴۱۱ ق، *أسباب النزول القرآنی*، بیروت، دار الجیل.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت، چ ۲.

۸۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، س ششم، پاییز ۹۴، ش ۲۳

- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۸ق، *الأصنفی فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصرخسرو.

- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چ ۴.

- کرکی، علی بن حسین بن عبدالعالی، ۱۳۸۵، *نفحات اللاهوت فی لعن الجبت و الطاغوت*، ترجمه ابوتراب هدایی، مشهد، شیرازگان.

- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار (۴)*، بیروت مؤسسه الوفاء.

- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد*، قم، کنگره جهانی شیخ مفید.

- _____، ۱۴۲۴ق، *تفسیر القرآن المجید*، تحقیق سید محمدعلی ایازی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

Archive of SID

تحليل لمستندات اختصاص كلمة «أهل البيت» في آية التطهير، بالخمسة الطيبين

محمد اميري*
كيوان احساني**

الخلاصة

آية التطهير من أكثر آيات القرآن التي اثير حولها جدل بين مفسري الفريقين في ما يخص مسألة عصمة أهل البيت عليهم السلام. مفسرو الشيعة يعتبرون كلمة أهل البيت مختصة بالخمسة الطيبين، وفي المقابل يري قسم من مفسري أهل السنة ان أهل البيت هم نساء النبي، بينما يقول قسم آخر منهم ان هذه الكلمة تعني نساء النبي والخمسة الطيبين، فيما يقول آخرون انها اوسع معنًى وتشمل جميع آل النبي واقاربه وما إلى ذلك. ومن بين الأدلة التي يستدل بها الشيعة على صواب رأيهم هو تغيير الضمير في هذه الآية من جمع المؤنث إلى جمع المذكر. ينطلق هذا البحث من توجه وصفي تحليلي لتقييم ونقد الاستدلال. فيتناول كلمة «أهل» ويتقصى موارد استعمالها في اللغة والقرآن، ليتوصل من خلال ذلك إلى نتيجة مفادها ان الاستشهاد بالادلة التاريخية والاستناد إلى الاحاديث الشريفة يكفي لاثبات ان كلمة أهل البيت تختص بالخمسة الطيبين، إلا أن استناد معظم مفسري الشيعة الى «تغيير الضمير» جدير بالبحث والنظر.

الألفاظ المفتاحية

الآية ٣٣ من سورة الاحزاب، آية التطهير، الأهل، أهل البيت، التفسير المقارن.

amiri.mo.a@gmail.com

k-ehsani@araku.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٤/٠٩/٠٣

*. طالب دكتوراه في جامعة علوم ومعارف القرآن الكريم.

** . استاذ مساعد في جامعة اراك.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٤/٠١/٠٢